

الهیات تطبیقی (علمی پژوهشی)

سال دوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

ص ۶۰-۵۱

درمان ناباروری و تعیین جنسیت جنین در چالش با حکمت و عدالت خداوند

لطف الله دژکام* محمد عباس زاده**

چکیده

استفاده از فناوری‌های جدید برای درمان ناباروری چالش‌هایی را در زمینه‌های مختلف مطرح کرده است. برخی از این چالش‌ها، اخلاقی است، برخی حقوقی و برخی دیگر عقیدتی. در این مقاله، یکی از چالش‌های عقیدتی استفاده از این فناوری‌ها - با عنوان درمان ناباروری و تعیین جنسیت جنین در چالش با حکمت و عدالت خداوند - بررسی شده است. توجه به نظام علی - معلولی حاکم بر عالم، نحوه تبیین عدالت و حکمت تکوینی خداوند متعال را مشخص می‌سازد، لذا آفرینش فرد عقیم در قالب این نظام، با عدالت و حکمت تکوینی خداوند منافاتی ندارد. البته شیوه رفتار با این گونه افراد در بحث عدل جزایی - با عنوان اعواض - مطرح می‌شود که خداوند این گونه نقایص را با اعطای پاداش‌ها یا تخفیف در عقاب‌ها جبران می‌کند. پی بردن به اسرار آفرینش و درمان برخی بیماری‌ها یا توانایی بر انجام برخی امور، مثل انتخاب جنسیت جنین، نه تنها مخل به نظام احسن نیست بلکه خود، نشان‌دهنده همین نظام احسن است؛ چراکه اگر این روابط در نظام کنونی پی‌ریزی نشده بود، هرگز راهی برای دستیابی به آن‌ها فراهم نمی‌شد. با شناخت نظام احسن و تبیین صحیح سنت حاکم بر آن، انتخاب جنسیت جنین و درمان‌های جدید ناباروری، نه تنها با عنوان دخالت در فعل خداوند و معارض با عدالت تکوینی خداوند مطرح نمی‌شود، بلکه قوام نظام احسن به تحقق چنین اموری خواهد بود.

واژه‌های کلیدی

حکمت خدا، عدالت، انتخاب جنسیت، درمان ناباروری.

مقدمه

سبحانی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۳)، اما بدین جهت که برهانی ظنی است، مورد توجه فلاسفه اسلامی قرار نگرفته است (جوادی آملی: ۲۲۷).

این کاربرد اتقان صنع و نظام احسن، چنانکه از زمان‌های قدیم مورد نقد اهل برهان و فلسفه بوده است، در دوران معاصر نیز به خاطر خدشه‌دار شدن اصل وجود نظم و طراحی از پیش تعیین شده، با طرح نظریه تکامل به چالش کشیده شده است. باربور می‌نویسد:

«روایت رایج برهان اتقان صنع خیلی آسیب‌پذیر از کار درآمد؛ چه تکیه‌گاهش سازگاری ساختمان بدن و اندام‌های موجودات زنده با وظایف مفیدشان بود. حال این سازگاری یا تطابق و انطباق، با پیش کشیدن انتخاب طبیعی، قابل تعلیل بود، بی‌آنکه وجود طرح یا تدبیر پیش‌کشیده‌ای را ایجاب کند» (باربور: ۱۱۱).

از جمله مواردی که می‌تواند این روایت اتقان صنع را به چالش کشاند، آفرینش فرد عقیم یا بیمار است، چرا که وجود موارد دال بر نقض سازگاری اندام‌های موجود زنده با وظایفشان، تکیه‌گاه و زیربنای این برهان را مخدوش می‌سازد، لذا استفاده از آن در برهان نظم، برهان را متزلزل می‌نمایاند.

ناگفته نماند که نفی ارزش برهانی قیاس مبتنی بر نظم، مستلزم نفی ارزش جدلی آن نیست. از این‌رو، در متون مقدس دینی گاهی در برابر کسانی که نظم را در بخشی از طبیعت و یا در کل جهان قبول دارند و اصل وجود ذات واجب را هم پذیرفته‌اند، از برهان نظم برای اثبات توحید ربوبی و توحید عبادی استفاده می‌شود که از باب جدال احسن است.

پیشرفت روزافزون فناوری یا فناوری در عصر کنونی برخی متفکران، به ویژه جوامع دانشگاهی را با چالش‌های گوناگونی در باب عقاید انسان در مورد خداوند متعال مواجه ساخته است. برخی از این چالش‌ها عبارتند از:

۱. چگونگی فعالیت خداوند در رابطه با جهان و انسان که به توحید افعالی مربوط می‌شود و در جای خود مورد بحث قرار خواهد گرفت.
۲. آیا دخالت انسان در روند طبیعی تولید مثل با اعتقاد به نظام احسن منافات ندارد؟
۳. در تحلیل اخلاقی رنج‌ها و آلام بشری، یکی از عوامل رنج‌های انسان، اعمال و رفتار خود او محسوب شده، چنین گفته می‌شود که آلام بشر نتیجه و مکافات اعمال خود اوست. اکنون اگر با فناوری جدید این آلام (ناباروری، تک جنسی زایی و...) برطرف شود، آیا با عدالت خداوند منافات ندارد؟

پرسش‌های دوم و سوم به نوعی مسأله اعتقاد به نظام احسن و اتقان صنع را به چالش می‌کشاند. توضیح این که اعتقاد به نظام احسن و اتقان صنع به دو شکل در مباحث عقیدتی به کار گرفته شده است:

- ۱- به عنوان مقدمه‌ای برای برهان نظم (argument from design): در این کاربرد با فرض گرفتن سازگاری اجزاء جهان با یک دیگر و هدفمندی موجودات - که همان معنای اتقان صنع است - بر وجود صانع، ناظم و سازگار کننده استدلال می‌شود. این برهان در کلام و عقاید مسیحی و اسلامی به کار گرفته شده است، (ژیلسون: ۱۲۷ و

• فعل حکیم در نهایت إتقان و إكمال و به عبارت دیگر «صدور الشيء على وجه الاكمل» باشد (حلی: ۴۱۶).

• فاعل حکیم از فعل لغو و قبیح به دور باشد (سبحانی، ۱۴۰۹: ۱۲۹).

معنای دوم حکمت با بحث عدالت نزدیک می‌شود، لذا آن را در بحث عدالت خداوند دنبال خواهیم نمود.

طبق معنای اول حکمت، فعل خدای حکیم در نهایت إتقان و استواری است و هیچ نقصی در آن راه ندارد. دلایل مختلفی برای اثبات این صفت خداوند، اقامه شده که این موضوع را به محل خود واگذار می‌کنیم (ر.ک: محاضرات فی الالهیات: ۱۲۸-۱۳۰). نتیجه پذیرش این معنای حکمت، آن است که نظام هستی بهترین نظام ممکن - نظام أحسن - است (سبحانی، ۱۳۷۳: ۴۸۲).

آیه شریفه زیر را می‌توان اشاره به این صفت خداوند متعال دانست:

«الذی أحسن کلّ شیء خلقه» (سجده / ۷)

«او خدایی است که هرچیزی را که خلق کرد، نیکو آفرید»

با توجه به این معنای حکمت و حکیمانه بودن افعال خدای متعال، این سؤال ها مطرح می‌شود که:

• آفرینش فرد عقیم، چگونه با فعل حکیمانه و متقن خداوند قابل جمع است؟

• در نظام طبیعی مخلوق خداوند حکیم - که نظام احسن است - انتخاب جنسیت جنین به دست انسان نیست. آیا فناوری‌های جدید که عهده‌دار انتخاب جنسیت جنین هستند، با

۲- در متون فلسفه اسلامی و حکمت متعالیه، آنگاه که از عنایت الهی بحث به میان می‌آید، مصادیق متعددی از نظم و إتقان صنع آورده می‌شود که به عنوان مؤیدی برای برهان لمّی بر حکمت و عنایت حق مطرح می‌گردد.

در این مجال هدف، اثبات وجود خداوند یا اثبات توحید ربوبی یا عبادی و یا اثبات حکمت و عنایت خداوند نیست؛ زیرا این امور از دیدگاه حکیم غالباً با ابتدای بر براهین لمّی اثبات می‌شود. حکیم الهی به کمک برهان و از طریق نظر به مبادی عالیّه و به وساطت اوصاف و اسمای الهی، نظم و إتقان صنع و احسن بودن نظام موجود جهان را اثبات نموده، پس از آن به عنوان تأیید مطلب خویش، موارد و مصادیق مختلفی را از علم هیئت، فیزیک، زیست شناسی و امثال آن ذکر می‌نماید (صدر المتألهین، ج ۷: ۱۱۷-۱۴۸).

هدف از این پژوهش، پاسخ به سؤال دوم و سوم از پرسش‌های سه گانه فوق بر مبنای حکمت متعالیه، اثبات توانمندی خداشناسی اسلامی و حکمت متعالیه در حلّ مسائل فوق و همراهی علم و دین در فرهنگ اسلامی است. لذا پس از طرح این گونه مسائل در خصوص حکمت و عدالت خداوند - که از صفات فعلی خداوند هستند - راه حلی را برای پاسخ به آنها مطرح خواهیم نمود. بدین منظور، ابتدا با معنای این دو صفت از صفات باری تعالی آشنا می‌شویم تا زمینه برای تبیین چالش‌های مطرح در خصوص درمان‌های ناباروری فراهم گردد:

حکمت الهی

حکمت به دو معناست:

اعتقاد به نظام احسن و اتقان صنع در تعارض نیستند؟

• آیا تجویز این نوع فناوری‌ها به معنای دخالت در نظام احسن و افساد در آن نیست؟

عدالت خداوند

صفت عدالت برای خداوند متعال - همچون حکمت - از صفات فعل است. عدل، به معنای آن است که هر چیزی در جای مناسب خود قرار داشته باشد (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷).

عدل در مورد خداوند، به سه معنا به کار برده می‌شود:

- عدل تکوینی
- عدل تشریحی
- عدل جزایی

عدل در نظام تکوین - جهان خلقت - بدین معناست که خداوند هر چیز و هر کس را در جای مناسب خود آفریده است؛ یعنی به هر چیز به اندازه ظرف وجودش، کمال لایق داده است.

عدل تشریحی در نظام قانون‌گذاری مطرح می‌شود؛ طبق این مبنا، خداوند همه احکام لازم برای سعادت انسان‌ها را نازل فرموده، همچنین تکالیف او بر مکلفین در حدّ توان آنهاست (سبحانی، ۱۳۷۳: ۴۹۶).

عدل جزایی به معنای آن است که پاداش و کیفر انسان‌ها مطابق اعمال آنها و به عدالت داده شود. ظهور کامل این عدل، در روز قیامت خواهد بود و خداوند متعال در آن روز به انصاف بین نیکوکاران و بدکاران به داوری خواهد پرداخت. البته، مکافات

اعمال در دنیا نیز از مصادیق عدل جزایی خداوند است.

اکنون که با معانی مختلف عدل آشنا شدیم، با نگاهی به درمان‌های نوین ناباروری این مسائل مطرح می‌شود که:

• طبق معنای مطرح در عدل تکوینی - که هر چیز به جای خویش نیکوست - فردی که عقیم آفریده شده است، به جای خویش نیکوست؛ اکنون که عقیم بودن وی درمان می‌شود، آیا عدل تکوینی برقرار خواهد بود؟

• همچنین فردی که بدون دخالت فناوری صاحب جنسی و با دخالت فن‌آوری‌های جدید انتخاب جنسیت، صاحب جنس دیگری مطابق دلخواه خود می‌شود، آیا باز هم به جای خویش نیکو خواهد بود و نظامی عادلانه به عدل تکوینی خواهیم داشت؟

• گاهی اوقات عقیم یا تک جنس‌زا بودن، سزای اعمال فرد در این دنیا است؛ یعنی خداوند در نتیجه کردار فردی او را عقیم یا صاحب فرزندی خلاف خواسته خود می‌کند. وقتی که این فرد با درمان ناباروری، فرزنددار یا صاحب فرزند با جنسیت مطابق میل خود می‌شود، این سزای اعمال از بین خواهد رفت. پس چگونه عدل جزایی تأمین و اعمال خواهد شد؟

اکنون که با مسائل مختلف مطرح در باب حکمت و عدالت خداوند آشنا شدیم، به جواب آنها خواهیم پرداخت:

سنت حاکم بر عالم بیانگر حکمت و عدالت تکوینی خداوند

عالم خلقت، نظامی علی- معلولی است؛ یعنی خواست و اراده الهی در تدبیر این عالم به گونه‌ای تعلق گرفته که اسباب و علل در تحقق مسببات و معالیل تأثیر داشته و ظهور اراده خداوند در این عالم از مجرای علل مختلف باشد. به عبارت دیگر، سنت خداوند در اجرای امور عالم خلقت این است که امور عالم از طریق اسباب آن امور انجام پذیرد. «أبی الله أن یجری الامور الا بأسبابها...» (کلینی، ج ۱: ۱۸۳).

از سوی دیگر، خداوند انسان را مختار آفریده است که در چارچوب قوانین الهی می‌تواند در جریان امور عالم دخالت کند و جهان را با اذن الهی مسخر خود سازد. بنابراین، پی بردن به روابط حاکم بر نظام علی- معلولی در این عالم، نه تنها با عدالت تکوینی خداوند منافاتی ندارد، بلکه بیانگر نحوه تحقق عدالت الهی است و اگر انسان در موضعی، با پی بردن به گوشه‌ای از روابط خدانهاده نظام عالم تکوین، این نظام را تصحیح، کند یا تغییر دهد، عدل تکوینی را تغییر نداده است؛ بلکه برطبق عدل تکوینی توانسته به این روابط پی برد و تغییر را ایجاد کند. لذا درمان عقیم بودن یک فرد نافی عدالت تکوینی خداوند نیست.

همچنین تغییر یا تعیین جنسیت جنین نیز پس از شناخت همین روابط حاکم بر نظام عالم تکوین تحقق پذیر است که منافاتی با عدل الهی ندارد؛ همانطور که دخترزا بودن آن فرد بدون دخالت فناوری مطابق عدل تکوینی و حکمت خداوند است،

پسرزا شدن وی نیز پس از دخالت فن‌آوری مطابق عدل تکوینی و حکمت خداوند است.

با این توضیح جواب به سؤال مطرح درخصوص آفرینش عقیم و حکمت خداوند روشن می‌شود: همانطور که برطبق سنت حاکم بر این عالم، اسباب و علل در تحقق یک موجود دخالت دارند، مواد اولیه و ظرف ایجاد آن نیز در نوع تحقق و نحوه شکل‌گیری آن مؤثر است. بنابراین عقیم، به دنیا آمدن یک انسان را می‌توان معلول نقص موجود در مواد سازنده یا ظرف پرورش آن دانست. لذا به دنیا آمدن فرد عقیم، نه تنها با اتقان صنع و حکمت خداوند منافات ندارد، بلکه خود می‌تواند بیانگر استواری و استحکام نظام حاکم بر این عالم باشد.

اگر سطوح عالی‌ه دانش را به طفلی تعلیم دهیم، دانشی از تعلیم عائد طفل نمی‌شود. نیاموختن طفل، نه به جهت ضعف استاد است که بارها آن دانش را برای دانشجویان خود تدریس نموده و نه به جهت ضعف در علم و مواد درسی است؛ بلکه اشکال و ضعف ناشی از فردی است که خود را برای فهم این علم آماده نکرده است. به عبارت دیگر، فتور و مشکل را باید در ناحیه قابلیت قابل جستجو کرد، نه در ناحیه فاعلیت فاعل. مسلم است این گونه ضعف‌های قابل، هیچ خللی به نظم و استواری حاکم بر نظام آموزشی وارد نمی‌سازد.

ملاصدرا در پاسخ به این گونه سؤال‌ها چنین توضیح می‌دهد:

«قصور در فعل گاهی اوقات به جهت نقص در ادوات و ابزاری است که در خدمت صانع برای انجام کار خود قرار می‌گیرد یا از جهت نبود مکان یا زمان

لازم و امثال آن است؛ گاهی قصور در فعل از ناحیه هیولاست؛ مثلاً ریسنده به راحتی از پشم و الیاف نخ تهیه می‌کند، اما آهنگر به وسیله آهن نمی‌تواند این کار را انجام دهد، پس عجز از جانب آهن‌گر نیست، بلکه قابل و آهن به سختی ریسندگی را می‌پذیرند ... همچنین، کاتب به جهت سیلان عنصر هوا، نمی‌تواند به روی آن بنویسد.... همچنین، هدایت ناپذیری برخی از اشقیا به وسیله دعوت و انذار پیامبرشان - همانطور که در کلام الهی آمده: «تو هر که را دوست بداری هدایت نتوانی کرد» [قصص/۵۶] - به جهت قصور آنان در هدایت و انذار نیست، بلکه بدان جهت است که نفوس خبیثه تقرب به خداوند و ملکوت اعلای او را به سختی می‌پذیرند.» (صدر المتألهین، ج ۷: ۹۶).

فناوری‌های انتخاب جنسیت جنین نیز منافاتی با نظام احسن ندارند؛ چرا که با پی بردن به روابط خدانهاد حاکم بر این نظام احسن است که فناوری بر انتخاب جنسیت جنین توانایی پیدا می‌کند و تا آن اصل و اساس و نظم حاکم بر اجزای مختلف این نظام وجود نداشته باشد، هرگز راه پی بردن به این گونه توانایی‌ها و قابلیت‌ها فراهم نخواهد شد.

طبق بیان قرآن کریم، انسان خلیفه خداوند است (بقره/۳۰). خلیفه بودن انسان به این است که توانایی انجام کارهای مستخلف عنه؛ یعنی کسی که خلیفه اوست را داشته باشد، لذا امثال این گونه استفاده‌ها از فناوری منافاتی با افعال خداوند ندارد. علاوه بر این، خداوند در قرآن می‌فرماید: «خداوند همه آنچه را در آسمان‌ها و زمین است، مسخر شما گردانید» (جاثیه/۱۳).

مسخر انسان بودن طبیعت به آن است که انسان بتواند در آن تصرف کند و گرنه مسخر بودن آن‌ها معنا ندارد.

بنابراین، می‌توان گفت که استفاده از این گونه فناوری‌ها مشکل اعتقادی ندارد، لکن باید توجه داشت زمانی استفاده از آنها جایز است که از نظر فقهی هم بررسی گردد تا نهی تشریحی به آنها تعلق نگرفته باشد؛ یعنی افعال انسان در ترقی و استفاده از فناوری تا زمانی که به مخالفت با قوانین تشریحی خداوند نپرداخته، در قالب نظام احسن و بخشی از آن به حساب می‌آید.

تاکنون با جواب سؤال‌های مطرح در باب حکمت و عدالت تکوینی خداوند آشنا شدیم. آخرین سؤال، که باید طرح شود، آن است که درمان نوین بیماری‌های ناباروری چگونه با عدل جزایی خدای متعال سازگار است؟

قبل از پرداختن به پاسخ این سؤال، توجه به این نکته لازم است که عقیم یا تک‌جنس‌زا بودن را در دو صورت می‌توان لحاظ و بررسی کرد:

- عقاب و مکافات فردی در دنیا
- طبیعی و غیراختیاری بودن آن

سؤال فوق و پاسخ به آن، در دو حالت فوق بررسی خواهد شد:

اگر عقیم یا تک‌جنس‌زا بودن، نتیجه و مکافات اعمال فرد - از باب تعجیل در عقوبت^۱ - است، آیا درمان این امور مانع تحقق عدالت جزائی خداوند نیست؟ جواب آن است که خیر، مانع عدالت جزایی نیست. در صورت درمان و رفع این نوع عقوبت‌ها از آنجایی که دست خداوند بسته نیست، عقاب به نحو

سختی‌ها و مشکلات را برای انسان با ایمان در مقایسه با انسان بی‌دین چند برابر می‌کند.

روایات متعددی بر حکمت بیماری‌ها و سختی‌هایی که به فرد با ایمان وارد می‌شود و نحوه عمل با وی در هنگام ابتلا به این مصائب، وارد شده است.^۲

طبق برخی روایات، خداوند متعال به دو ملک موکّل بر انسان مؤمن مریض دستور می‌دهد که برای او کارهای نیکی که در هنگام سلامت انجام می‌داده، بنویسند (کلینی، ج ۳: ۱۱۳-۱۱۵).

در روایتی دیگر، ابوبصیر - که فردی نابینا بوده - از امام باقر - علیه السلام - درخواست می‌کند که چشمان وی را شفا دهد. حضرت پس از دست کشیدن به چشمان وی و بینا شدن وی، می‌فرماید: آیا دوست داری چنین باشی و مثل بقیه مردم در روز قیامت باشی، یا این که به حالت قبل برگردی و با اخلاص وارد بهشت شوی؟ ابوبصیر می‌گوید: مرا به حالت قبل برگردان. حضرت باری دیگر دست خود را بر چشمان وی می‌کشد و او به حالت قبل برمی‌گردد (کلینی، ج ۱: ۴۷۰).

توجه به این نکته در خصوص روایت فوق لازم است که:

گاهی اوقات بیماری یا سختی نتیجه افعال و کردار خود انسان است و گاهی اوقات فعل انسان در بروز سختی و بیماری دخالتی ندارد. گاهی اوقات درمان بیماری به روش‌های معمول امکان‌پذیر است و گاهی به روش معمول امکان‌پذیر نیست. به نظر می‌رسد واکنش به هر قسم از این اقسام متفاوت باشد.

دیگری در دنیا یا آخرت تحقق پیدا می‌کند و عدالت جزایی تأمین خواهد شد.

اگر عقیم یا تک‌جنس‌زا بودن، بر اثر عوامل طبیعی و غیر اختیاری برای فردی پیش آمده و هیچ‌گونه تقصیری در این موارد نداشته است، آیا تحمل این بیماری‌ها و عدم درمان آن‌ها بر این فرد لازم است یا نه؟

خیر، نیازی به تحمل این بیماری‌ها نیست، اما اگر در صورت درمان نتیجه‌ای حاصل نشد، خداوند «عوض» عنایت می‌فرماید.

«اعواض» تأمین‌کننده عدالت جزایی خداوند

یکی از موضوع‌های مطرح در ذیل افعال خداوند در علم کلام، موضوع «اعواض» است. اعواض جمع عوض، به منفعتی گویند که خداوند به فرد مستحق - در قبال سختی‌ها، آلام، بیماری‌ها و صبر بر وقایع ناگواری که برای وی رخ داده است - می‌دهد (حلی: ۴۵۲).

با توجه به این که دنیا ظرف ظهور عدالت جزایی خداوند نیست و در مواجهه با مصائب و بیماری‌ها لازم است به زمان ظهور حقیقت اعمال و رفتار انسان توجه داشت، می‌توان گفت: اعواض برای انسان مؤمن در آخرت یا به صورت کفّاره گناهان و یا به صورت رفعت درجه و کسب کمالات بروز پیدا می‌کند.

قبل از هر دلیلی، عقل انسان بر ضرورت و لزوم وجود اعواض حکم می‌کند. اعتقاد به اینکه ظهور حقیقی اعواض در جهان آخرت است، تحمل

درمان بیماری‌های ناباروری نیز از این قاعده کلی مستثنا نیست. لذا در پاسخ به سؤال مطرح شده درخصوص عدل جزایی و درمان این بیماری‌ها می‌توان گفت:

صبر بر عقیم بودن و همچنین تک جنسی به دنیا آوردن برای انسان مؤمن، عوض‌ها و منافعی را به دنبال خواهد داشت که با درمان یا تغییر آن، این منافع را از دست خواهد داد. ناگفته نماند که ظهور حقیقت این منافع، در روز قیامت خواهد بود. البته، گاهی اوقات ممکن است عقیم بودن یا تک جنسی به دنیا آوردن برای انسانی، کفاره یا سزای برخی اعمال او باشد، که با تغییر این حالات، کفاره یا عقاب اعمال خود را به نحوی دیگر در دنیا یا آخرت خواهد دید. شایان ذکر است که اعتقاد به «اعواض» برای انسان با ایمان سازنده است و فوایدی در دنیا به دنبال خواهد داشت. از جمله این فواید، مانعی قوی برای افسردگی مبتلایانی است که بیماری آنان به سهولت درمان نمی‌شود. امام علی (ع) می‌فرماید:

«از جزع بپرهیز، چراکه بی‌تابی امید انسان را از بین می‌برد، عمل انسان را سست و ضعیف می‌کند و غصه را به همراه خواهد داشت. بدان که انسان برای نجات از سختی دو راه بیشتر ندارد: یا راه نجاتی دارد، پس باید به فکر چاره‌جویی باشد؛ یا این که چاره‌ای بر آن نیست، پس لازم است بر صبر و تحمل تلاش کند» (تمیمی مغربی، ج ۱: ۲۲۳).

نتیجه

آنچه از منظر برخی اندیشمندان غرب مطرح شد که آفرینش فرد عقیم یا بیمار با اتقان صنع و حکمت

روایت در خصوص موردی است که اولاً نقص عضو نتیجه فعل اختیاری او نیست؛ ثانیاً درمان بیماری به روش‌های معمول امکان‌پذیر نبوده است، لذا امام (ع) پس از آنکه به روشی خارق العاده چشم ابوبصیر را بینا می‌کنند، با علم نامحدود خود از حقیقتی خبر می‌دهند که به راحتی نمی‌توان به آن دست یافت. پس نباید حکم مطرح شده در این روایت را به سایر اقسام فوق تسری داد.

بنابراین، اگر بیماری‌ای به روش‌های معمول درمان‌پذیر باشد و درمان آن هم از لحاظ شرعی نهی نشده باشد، نمی‌توان پذیرفت که صبر بر آن پاداش و عوضی در دنیا و آخرت به همراه دارد.

اگر بیماری و سختی نتیجه افعال و کردار انسان باشد، این خود عقابی است که از جانب خداوند متعال برای فرد خطاکار در نظر گرفته شده است. صبر بر این عقاب، حداکثر کفاره گناهان فرد است و از عقاب اخروی وی می‌کاهد. ناگفته نماند این امر مصداقی از مصادیق رحمت الهی بر آن شخص است، چرا که با تحمل سختی و فشار در دنیای فانی و زودگذر، از تحمل عذاب اخروی نجات پیدا می‌کند.

خلاصه آنکه اگر در برخی روایات سخن از استحباب صبر بر بیماری و تحمل آن به میان آمده، (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۳۹۷) منظور صبر بر بیماری‌هایی است که از لحاظ معمول درمان ندارند یا نهی شرعی به روش درمان آنها تعلق گرفته است. لذا در غیر دو مورد فوق، در صورتی که درمان نکردن مضر به حال انسان باشد، نه تنها صبر بر بیماری مستحب نیست، بلکه به وجوب درمان نیز حکم شده است (حرّ عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۲۴).

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- ایان، باربور. (۱۳۸۴). **علم و دین**، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ چهارم.
- ۴- تمیمی مغربی، نعمان بن محمد بن منصور. (۱۳۸۵). **دعائم الاسلام**، ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ دوم.
- ۵- حرّ عاملی، محمد بن حسن بن علی. (۱۴۰۹ق). **تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة**، ج ۲، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- ۶- _____ . (۱۴۱۲ق). **هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة**، منتخب المسائل، ج ۱، مصحح: بخش حدیث در جامعه پژوهش های اسلامی، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه، چاپ اول.
- ۷- حلی، حسن بن علی بن داود. (۱۴۲۲ق). **کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد**، تصحیح و تعلیق: حسن زاده آملی، قم: موسسه النشر الاسلامی، چاپ نهم.
- ۸- جوادی آملی، عبدالله. (بی تا). **تبیین براهین اثبات وجود خدا**، قم: انتشارات اسراء، چاپ اول.
- ۹- ژیلسون، اتین. (۱۳۷۵). **مبانی فلسفه مسیحیت**، ترجمه محمد محمد رضائی، سید محمود موسوی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- ۱۰- سبحانی، جعفر. (۱۳۷۳). **راه خداشناسی و شناخت صفات او**، قم: انتشارات مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ سوم.

خداوند منافات دارد، از دیدگاه اسلام باطل است. در فلسفه اسلامی اتقان صنع و نظام احسن بودن این عالم، پس از شناخت صحیح نظام علی- معلولی تبیین می شود و این گونه نقص ها، ناشی از قابلیت قابل و مواد سازنده آن هاست، نه فاعلیت فاعل.

با تبیین صحیح سنت حاکم بر نظام احسن، استفاده از فناوری های انتخاب جنسیت جنین و درمان های جدید ناباروری، نه تنها دخالت در فعل خداوند و معارض با عدالت تکوینی خداوند محسوب نمی شوند، بلکه خلیفه بودن انسان و همچنین مسخر بودن آسمان ها و زمین- تا زمانی که به انجام نواهی خداوند منجر نشود- با تصرف در این امور تحقق پیدا می کند.

عقیده به «اعراض» نیز در خصوص تحمل بیماری های درمان ناپذیری که بر اثر عوامل غیراختیاری پیش آمده و بیمار در بروز این بیماری ها هیچ گونه تقصیری نداشته است، تأمین کننده عدالت جزایی خداوند متعال است که به نوبه خود فوائدی را برای بیمار معتقد - مثل رفع افسردگی - به دنبال خواهد داشت

پی نوشت ها

- ۱- و لا تعجلنی بالعقوبه علی ما عملته فی خلواتی من سوء فعلی و... (شیخ طوسی، مصباح المتعجد: ۸۴۵).
- ۲- علاقه مندان می توانند برای آشنایی بیشتر با این دسته از روایات، به کتب روایی، چون حر عاملی، **وسائل الشیعه**، ج ۲: ۴۰۰-۳۹۷ و مجلسی، **بحار الانوار**، ج ۷۸: ۱۷۹-۱۷۶ مراجعه کنند

- ١١- _____ . (١٤٠٩). **الإلهيات على هدى الكتاب و السنة و العقل**، ج ١، به قلم: الشيخ حسن محمد مكى العاملى، قم: المركز العالمى للدراسات الاسلاميه، چاپ دوم.
- ١٢- صدر المتألهين، محمد شيرازى (ملاصدرا). (١٣٧٦). **الحكمة المتعالية فى الاسفار العقلية الاربعة**، ج ٧، قم: منشورات مصطفى.
- ١٣- طوسى، ابو جعفر محمد بن حسن. (١٤١١ق). **مصباح المتهدج**، بيروت: مؤسسه فقه الشيعه، چاپ اول.
- ١٤- كلينى، ابو جعفر محمد بن يعقوب. (١٤٠٧ق). **الكافى**، ج ٣، قم: دار الكتب الإسلاميه، چاپ چهارم.
- ١٥- مجلسى، محمد باقر. (١٤٠٤ق). **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام**، ج ٧٨، بيروت: مؤسسه الوفاء.